

بازار کار در سالی که گذشت

امیر جعفرزاده



بازار کار در سال ۸۶ سال پرتلاطمی را تجربه کرد. سالی که در آن دولتمردان سعی در کاهش نرخ بیکاری ولو با تغییر مفهوم بیکاری کردند و کارشناسان سعی در روشننگری در خصوص سیاست‌های اشتغالزایی دولت. مهمترین سوالی که مطرح شده این است که آیا در سال ۸۶ وضعیت بازار کار بهبود محسوسی داشت؟ آیا متناسب با هزینه‌هایی که دولت برای ایجاد اشتغال انجام داده است، اشتغال پایدار ایجاد شد؟

چشم‌انداز متصور سال ۸۶

قبل از این که خانواده‌های ایرانی جشن فرارسیدن بهار سال ۸۶ را برپا کنند، کارشناسان، بازار کار سال ۸۶ را ترسیم می‌کردند. مهمترین مباحثی که مطرح می‌شد رشد نقدینگی و تورم، فضای نامناسب کسب و کار، کسری بودجه دولت و افزایش واردات بود که نگرانی‌هایی را در خصوص بازار کار مطرح می‌کرد. از طرفی دیگر به دلیل افزایش قیمت نفت تصور می‌شد که دولت وام‌های پرداختی را به بنگاه‌های زودبازده افزایش دهد و البته همین طور هم بود.

رشد نقدینگی و تورم عوامل بازدارنده افزایش اشتغال مطرح می‌شدند زیرا موجب می‌شوند از سود تولیدات صنعتی کاسته شود و سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌های سوداگرانه برود. همچنین وضعیت معیشتی نیروی کار بدتر خواهد شد که در بهره‌وری نیروی کار تاثیر به‌سزایی خواهد گذاشت. البته رشد نقدینگی به شکلی که تصور می‌شد به وجود آمد. رشد نقدینگی در سال ۸۶ طبق آخرین آمارها ۳۷/۳ درصد بوده است. دولت در نیمه اول سال ۸۶ نزدیک به ۲۰ درصد بیش از

رقم مصوب بودجه از حساب ذخیره ارزی برداشت کرده است که پیش‌بینی می‌شود این رقم در نیم سال دوم بیشتر هم بشود. سیاست‌هایی از این دست موجب شده که نقدینگی در جامعه به شدت افزایش یابد.

همچنین دولت در سال ۸۶ با کسری بودجه مواجه شد که در رشد نقدینگی نیز موثر بوده است.

البته نرخ تورم رشد چندانی نداشت و این امر هم به خاطر واردات کالاهای مصرفی زیادی بود که دولت در سال گذشته انجام داده است. تا پایان شهریور ۱۳۸۶، واردات ۲۲ میلیارد دلار بود که حاکی از رشد ۸/۲ درصدی است. که پیش‌بینی می‌شود تا آخر سال به دلیل نزدیک شدن به عید این میزان واردات بیشتر هم بشود. علاوه بر این که واردات در سال ۸۶ به صورت اسمی رشد داشته است، ترکیب کالاهای وارداتی نیز تغییر کرده است. به طوری که سهم کالاهای سرمایه‌ای در ترکیب کالاهای واردات کاسته شده و سهم واردات کالاهای نهایی افزایش یافته است. و این نوع واردات به شدت وضعیت اشتغال را بدتر می‌کند. این وضعیت وقتی مسجل شد که وزیر کار و امور اجتماعی در نامه‌ای که به رییس جمهوری

نگاشته بود، از واردات زیاد کالاهای نهایی اعتراض کرد: یکی از مشکلات صنایع و بنگاه‌های کشور، واردات محصولات نهایی مانند شکر، پوشاک، کنش و چرم و مبیل است که تولیدکنندگان داخلی را دچار مشکل کرده است. اگر واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای باشد، کمک به تولید و اشتغال داخلی و ارزش افزوده می‌کند؛ اما هر چه محصول نهایی مانند لوازم خانگی، میوه، شکر و قند وارد شود، به کارخانه‌های داخلی و تولید داخلی لطمه وارد می‌کند.

بنگاه‌های زودبازده

روزهای بهاری سال ۸۶ در حالی خود را نمایانگر کرد که دست‌اندرکاران و مسوولان دولت و بخصوص وزارت کار، به شدت از طرح بنگاه‌های زودبازده حمایت می‌کردند. تقریباً می‌شود گفت که تنها سیاستی که وزارت کار به اجرای آن می‌پرداخت، پرداخت تسهیلات به بنگاه‌های زودبازده بود. مساله‌ای که اعتراض برخی از کارشناسان را به دنبال داشت. در ابتدای سال قراردادی میان وزارت کار و بانک مرکزی بسته شد که طی آن قرار شد در سال ۸۶، ۳۰ هزار میلیارد

تومان تسهیلات شامل ۱۵ هزار میلیارد تومان برای بنگاه‌های متوسط، بزرگ و نیمه‌کاره و ۱۵ هزار میلیارد تومان برای پرداخت بنگاه‌های کوچک و زودبازده کارآفرین پرداخت شود. شبکه بانکی در مجموع تا پایان آبان ماه ۸۶ حدود ۶۵۰۰ میلیارد تومان تسهیلات به بنگاه‌های اقتصادی پرداخت کرده‌اند. از طرفی بانک مرکزی هم به سختگیری در پرداخت تسهیلات به بنگاه‌ها اعتقاد دارد. مظاهری رییس کل بانک مرکزی اعتقاد دارد که فقط باید به بنگاه‌هایی که دارای طرح توجیهی هستند، تسهیلات پرداخت شود. همین مساله مناقشه‌ای را میان وزارت کار و بانک مرکزی ایجاد کرد. وزارت کار اعتقاد دارد تسهیلات پرداختی به هر شکل ممکن باید به بنگاه‌های زودبازده پرداخت شود حتی اگر از حساب ذخیره ارزی برداشت شود. اما رییس کل بانک مرکزی اعتقاد دارد که تسهیلات فقط باید از منابع داخلی بانک‌ها پرداخت شود. به هر صورت وزارت کار بنیان کار خود را اعطای تسهیلات به بنگاه‌های زودبازده پایه‌ریزی کرده است.

محمد چهرمی، وزیر کار بیان کرده که از ابتدای اجرای این گونه طرح‌ها قراردادهایی به ارزش ۱۹ هزار میلیارد تومان منعقد شده که از این میزان ۱۵/۵ هزار میلیارد تومان به آنها پرداخت شده است. از طرفی طرح ایجاد بنگاه‌های زودبازده، ۸۱۳ هزار فرصت شغلی مستقیم به وجود آورده است که قسمتی از این پرداخت‌ها و ایجاد اشتغال در سال ۸۶ روی داده است.

آمار بیکاری

یکی از جالب‌ترین اتفاقاتی که در بازار کار در سال جاری به وجود آمد، مساله آرایه آمار بیکاری بود. زیرا در آمار جدیدی که مرکز آمار ایران تهیه کرده است، مفهوم بیکاری را تغییر داده و به این شکل موجب کاهش نرخ بیکاری شد. انتهای تابستان امسال مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در تابستان را ۹/۹ درصد اعلام کرد که حساسیت‌های زیادی را در کارشناسان اقتصادی ایجاد کرد.

تعریف بیکاری طبق آمارگیری جدید مرکز آمار که مورد تایید وزارت کار بود، عبارت بود از این که: تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر که در طول هفته مرجع، حداقل یک ساعت کار کرده و یا بنا به دلایلی به طور موقت کار را ترک کرده باشند، شاغل محسوب می‌شوند. همچنین تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر که در دوره مرجع کار، آماده برای کار و در جست‌وجوی کار باشند، یا فاقد کار و آماده به کار در آینده و یا در انتظار بازگشت به شغل قبلی در جست‌وجوی کار نباشند، بیکار محسوب می‌شوند. در صورتی که تا قبل از این، افراد بالای ۱۶ ساعت کار کرده طی هفته مرجع، شاغل محسوب می‌شدند. بنابراین با کم کردن کف ساعات کار کرده برای شاغلین، آمار شاغلین به یک دفعه افزایش یافته و به این شکل، آمار بیکاری برای اولین بار در چندین سال اخیر تک رقمی شد.

همچنین وزارت کار پیش از آرایه چنین آمار، اعلام کرده بود برای اینکه شمار بیکاری افزایش نیابد، باید سالانه یک میلیون و دویست هزار شغل ایجاد شود. در بهترین و

خوشبینانه‌ترین آمارها، دولت مرز نتوانسته بیش از یک میلیون شغل ایجاد کند. بنابراین این سوال پیش می‌آید که چطور با این وجود به یک دفعه نرخ بیکاری تک رقمی شد؟ کارشناسان اقتصادی همان موقع هشدارهایی در خصوص این نحوه تغییر در مفاهیم کلیدی اقتصاد دادند. زیرا با این گونه فعالیت‌ها، بازار کار همانی که هست تصویر نمی‌شود و کارهای تحقیقاتی با مشکل مواجه خواهند شد و در نهایت مسوولان نمی‌توانند سیاست‌گذاری‌های لازم را انجام بدهند.

بیکاران بدهکار

مساله دیگری که در بازار کار اتفاق افتاد، اظهارنظر مجید عبدالوهاب، معاون وزیر کار بود. وی در پاییز امسال اعلام کرد برخی از وام‌گیرندگان بنگاه‌های زودبازده به بیکاران بدهکار تبدیل شده‌اند. لذا وزارت کار در جهت ایجاد اشتغال پایدار بعد از این به بنگاه‌های متوسط و بزرگ بیشتر توجه خواهد کرد. این در حالی است که شخص وزیر کار به شدت به طرح بنگاه‌های زودبازده اصرار دارد. که این مساله تضاد در وزارت کار را نشان می‌دهد.

وزیر کار اعتقاد دارد این گفته می‌شود تسهیلاتی که به بنگاه‌های کوچک پرداخت می‌گردد، ممکن است اثرات توری داشته باشد، اما این گونه تأثیرات آثار بلندمدت نداشته و زمانی که یک بنگاه اقتصادی به تولید برسد، با توجه به افزایش تولید در کشور، حتما اثر ضد توری خواهد داشت. اگر حرف وزیر کار را قبول کنیم، چطور معاون وزیر کار به ایجاد بیکاران بدهکار به خاطر طرح وام به بنگاه‌های کوچک اعتراف می‌کند و از توجه بیشتر به بنگاه‌های بزرگ و متوسط می‌گوید؟

مساله‌ای که وزیر کار عنوان می‌کند، دقیقاً پاشنه آشیل سیاست‌های زودبازده و کوتاه‌مدتی مانند وام‌دهی بی‌رویه به بنگاه‌های زودبازده و کوچک می‌باشد. زیرا کارشناسان اعتقاد دارند به دلیل اینکه میزان تسهیلات از پیش تعیین شده‌اند و به دلیل نبود نظارت‌های قوی و مستمر، بسیاری از طرح‌هایی که توجیه اقتصادی چندانی ندارند، ایجاد می‌گردد. همچنین به دلیل این که بسیاری از افراد تعلیم ندیده که برای اولین بار قصد راه‌اندازی کسب و کاری را دارند، بدون تجربه وام می‌گیرند و این امر موجب ورشکستگی و از بین رفتن بنگاه‌های کوچک بسیاری بعد از یکی دو سال می‌شود.

بسیاری از کارشناسان اعتقاد دارند، بسیاری از بنگاه‌های کوچکی که در این دو ساله ایجاد شده است در بلندمدت ورشکسته خواهند شد و در این صورت بیکاران بسیاری در سال‌های بعد ایجاد خواهد شد. به عبارتی دیگر بنگاه‌های کوچک با توجه به نحوه وام‌گیری و نظارتی که به آنها صورت می‌گیرد و با توجه به سرعت شکل‌گیری‌شان، اشتغال پایدار ایجاد نمی‌کند، مساله‌ای که عبدالوهاب به صورت تلویحی آن را بیان کرده بود و از ضرورت ایجاد اشتغال پایدار با تأکید به بنگاه‌های بزرگ و متوسط سخن می‌راند.

رشد نقدینگی و تورم از عوامل بازدارنده افزایش اشتغال مطرح می‌شوند زیرا موجب می‌شوند از سود تولیدات صنعتی کاسته شود و سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌های سوداگرانه بروند

کمبود نقدینگی واحدهای تولیدی

به دلیل تحریم‌ها و محدودیت‌هایی که بانک‌های ایران در خارج با آن مواجه شده‌اند و اعمال سختگیری بانک‌های داخلی برای پرداخت تسهیلات و اعتبار به واحدهای تولیدی، بسیاری از واحدهای تولیدی با کمبود نقدینگی مواجه شدند. سیاست سختگیرانه و انقباضی بانک مرکزی در قبال نظام بانکی که با هدف کنترل نقدینگی صورت گرفته، حیات برخی از واحدهای تولیدی کشور که تاکنون افزایش هزینه‌های ناشی از محدودیت‌های بانکی بین‌المللی را تحمل کرده‌اند و ادامه‌ی فعالیت آنها به دریافت تسهیلات از بانک‌های داخلی وابسته است را با مخاطره مواجه ساخته است. مشکلات اخیر واحدهای تولیدی و بنگاه‌های اقتصادی با شبکه بانکی داخل کشور که با احضارهای پیاپی مدیران این واحدها از سوی بانک‌ها و برخوردهای قهری با آنها به منظور بازپرداخت تسهیلات همراه بوده و متأسفانه همزمان با تحریم غیررسمی بانک‌های بین‌المللی صورت می‌گیرد، فشار مضاعفی را به این واحدها وارد کرده و زمینه‌ی توقف و تعطیلی تعدادی از این واحدها را فراهم کرده است.

مجموع محدودیت‌های فوق موجب شده که تعداد زیادی از واحدها و بنگاه‌های تولیدی و صادراتی بخش خصوصی طی ماه‌های اخیر با مشکلات نقدینگی فراوانی مواجه شوند و حتی برخی از این واحدها در تأمین دستمزد کارگران خود نیز با مشکل مواجه شده‌اند که در میان این بنگاه‌ها حتی تعدادی شرکت‌های دولتی و نیمه‌دولتی نیز دیده می‌شود. اما با این حال وزارت کار توجه لازم را به مشکلات این واحدهای تولیدی مبذول نداشته و به جای اینکه به حفظ واحدهای تولیدی موجود بپردازد، به فکر ایجاد واحدهای تولیدی زودبازده است. مساله‌ای که نمی‌تواند نمره‌ی درخشانی در کارنامه‌ی وزارت کار دولت نهم باشد.